

## یاد خوبان؛ «سیره امام خمینی (ره)» .....

سیدغلامعباس طاهرزاده

کادر علمی پژوهشکده تحقیقات اسلامی



### چکیده

هرگز جامعه‌ی اسلامی و تاریخ بشریت شخصیت ممتاز و کم نظیر حضرت امام خمینی (ره) را که با اندیشه‌های آسمانی و انسانی و تلاش‌های صادقانه‌ی خود مسیر تاریخ را دگرگون کرد، فراموش نخواهد کرد.

شخصیتی که با اعتماد و تکیه بر لطف الهی و ایمان به هدف، نظام پوسیده ۲۵۰۰ ساله استبداد را به زباله‌دان تاریخ انداخت و به جامعه‌ی اسلامی هویتی تازه بخشید و گرد غفلت و خود فراموشی را از چهره‌ی آنان زدود و آنان را با شخصیت واقعی خود آشنا ساخت.

امام خمینی، بنیانگذار انقلاب اسلامی در ایران و بیدارکننده‌ی جامعه‌ی مستضعفان و محرومان، انسان کاملی بود که علم و عمل را به هم آمیخته، عرفان و اخلاق را در خود مجسم نمود و با فقاقت و اجتهاد واقع بینانه، احکام و سیاست و حقوق اسلامی را بیان کرد. او نه تنها در مراحل علمی پیشیناز این مسیر بوده، بلکه در مراحل اجتماعی و سیاسی یک فرد آگاه از وضع زمان و آشنا به درد و درمان بود. فریادش بر مستکبران و سلطه‌جویان، نازیبانه‌ای بود که پشت آنان را می‌لرزاند و نقشه‌های آنان را بر باد می‌داد.

## مقدمه

آینه تاریخ، از آغاز پیدایش تا به امروز، همواره قامت بزرگ مردانی را در سینه پراسرار خود نگاه داشته و به آن می‌بالد؛ مردانی که تاریخ ساز بودند؛ آنان که خورشید پر نور وجودشان بر آسمان سر می‌ساید و به پاسداشت عظمت آنان، مهر آسمان خاک بوس پایشان می‌شود.

مردانی که گرمای صدای ملکو تیشان صفا بخش گوش زمان است و شعاع سیمای پرفروغشان، روشنگر کوره راههای ابهام و تردید؛ مردانی که همه زوایای زندگی‌شان دفتری است گشوده برای پیمایش راه سعادت و پویش کمال معنوی؛ مردانی به وسعت همه تاریخ و به گستره همه هستی.

بررسی و تحلیل زندگی بزرگ مردی از سلاله عترت که انقلابی بس عظیم را هدایت و رهبری کرد و شالوده نظام بی‌بدیل جمهوری اسلامی را در سرزمینی نهاد که همیشه گرفتار استبداد و خفقان شاهان سرکش و جبار بوده، کاری است بس دشوار!

انقلاب اسلامی ایران به عنوان شگفت‌انگیزترین تحول سیاسی نیمه دوم قرن بیستم باز تاب اندیشه نورانی و استوار خمینی کبیر است که دیدگاهها و آراء او، نه تنها در ایران که در سراسر جهان تاثیرات فراوان و گوناگونی بر جای گذاشته است.

امام خمینی (ره)، این شاگرد مکتب امام صادق (ع) به عنوان نظریه پرداز و معمار انقلاب اسلامی، در زمینه نهادینه کردن ساختار جامعه و تبیین جهت‌گیریها و رویکردهای سیاسی؛ دریایی از اندیشه پدید آورد به گونه‌ای که از سرچشمه زلال اسلام ناب محمدی، نه تنها ایران اسلامی بلکه کشورهای منطقه و همه جهان را سیراب کرد.

به راستی چه کسی قادر است رمز و راز شکل‌گیری شخصیت این مرد بزرگ دوران را شناسائی، بررسی و بازگو نماید، در حالی که آنچه از سالهای کودکی، نوجوانی، جوانی، و مبارزات سیاسی آن فرزانه در خاطره‌ها به جا مانده تنها گوشه‌ای از زندگی پرمرمز و راز ایشان است.

حتی مرور بر نقاط عطف و سرفصلهای زندگی آن یگانه دوران نیز کاری است مشکل و در این مختصر ننگنجد. بهمین سبب از آن سرچشمه نوروزلال معرفت، چند جرعه‌ای

بقدر توان از سیره عملی و رفتاری آن بزرگ بهره می‌بریم و از بخش کوچکی از شعاع جهانتاب آن وجود نازنین روشنی می‌گیریم.

## عبادت و بندگی خدا

- اهتمام و مراقبت امام خمینی (ره) بر عبادات و نماز و ادای آن در وقت فضیلت، به گونه‌ای بود که حتی به محافظان خود می‌فرمود در وقت نماز، نماز بخوانید، حفاظت لازم نیست. - مداومت بر قرأت قرآن و تدبر در آن به نحوی که هر روز دست کم پنجاه آیه و در بعضی از ایام ده جزء قرآن تلاوت می‌کرد.

- امام (ره) به دعا و نیایش و ارتباط با معبود، چنان اهمیت می‌داد که وقتی در نجف به سر می‌برد، هر روز به حرم مشرف می‌شد و زیارت جامعه‌اش هرگز ترک نشد.<sup>۱</sup> مقام معظم رهبری (دام‌ظله) می‌فرماید:

آن چیزی که امام را بر هدایت و اداره و رهبری ملت ایران و انقلاب عظیمش قادر می‌کرد، عبارت بود از: ارتباط با خدا و اتصال و توجه و توکل به او. او واقعا «عبد صالح خدا» بود. من هیچ تعبیری را بهتر از این، برای امام (ره) پیدا نمی‌کنم.<sup>۲</sup> آیت الله رضوانی دربارهٔ تعبد امام نقل می‌کند:

در ایامی که من با امام بودم و توفیق خدمتگزاری ایشان را داشتم نماز شب را ترک نکردند.<sup>۳</sup>

خویشاوندان امام که از پانزده سالگی با ایشان بودند، می‌گفتند:

«از پانزده سالگی ایشان که ما در خمین بودیم، آقا می‌رفتند به یک قسمت دیگر که هیچ کس بیدار نشود و نماز شب می‌خواندند.» همسر ایشان می‌گویند: «تا حالا نشده که من از نماز شب ایشان بیدار شوم. چون چراغ را مطلقا روشن نمی‌کردند، برای اینکه کسی بیدار نشود، هنگام وضوی نماز شب، یک ابر زیر شیر می‌گذاشتند که آب چکه نکند و صدای آن کسی را بیدار نکند.»<sup>۴</sup>

از خانم طباطبائی عروس امام نقل است که:

رمضان سال قبل از رحلت امام را خوب به یاد دارم. بعضی وقتها هر بار که به دلیلی نزد

ایشان می رفتم و سعادت پیدا می کردم با ایشان نماز بخوانم، وارد اتاقشان که می شدم می دیدم قیافه ایشان کاملاً برافروخته است و چنان اشک می ریختند که دیگر دستمال کفاف اشکشان را نمی داد و کنار دستشان حوله می گذاشتند. امام شبها چنین حالتی داشتند و این واقعا معاشقه ایشان با خدا بود.<sup>۵</sup>

یکی از نزدیکان امام می گوید:

در یکی از نیمه شبها خبر آوردند که قرار است کودتایی رخ دهد. حاج احمد آقا شتابان خدمت امام رسید که خبر را به امام بدهد. امام به ادای نماز مشغول بودند کاری که همیشه در این ساعت انجام می دادند او مدتی طولانی به انتظار ایستاد اما امام غرق در راز و نیاز با خداوند بودند. وقتی حاج احمد آقا موضوع را به اطلاع امام رساند، ایشان با همان متانت و آرامشی که همواره داشتند اشاره کرده و آرام فرمودند: «مسأله ای نیست؛ شما بروید و خیالتان آسوده باشد...» و بعد به نماز شب و راز و نیازشان ادامه دادند.<sup>۶</sup>

### ساده زیستی

یکی از بزرگترین ویژگی های حضرت امام خمینی (ره) ساده زیستی ایشان بود، امام خمینی (ره) از ابتدا تا انتهای عمر پریبرکتش، دست از ساده زیستی نکشید و همین امر یکی از عواملی بود که او را در مبارزه مستمر و وقفه ناپذیرش با استبداد و استعمار موفق ساخت. امام (ره) از همه قیود آزاد بود و همین وارستگی، همه خوف و بیم ها را از دل پاک او زدوده و از او قهرمانی بزرگ در عرصه معنویت ساخته بود. قید و بندهای مادی و دنیایی، مانع از وارستگی روح انسان می شود و آنگاه که روح در محاصره عوامل رشد انسان قرار گیرد، آزادگی معنای خود را از دست می دهد و چنین انسانی نمی تواند به مقامات بالای معنوی و هدایتگر برسد و فقط کسانی که بتوانند از این قید و بندها برهند می توانند از این قید و بندها آزاد باشند.

باکمال تأسف امروز در حالی که در آستانه نوزدهمین سالروز عروج ملکوتی آن عزیز دوران قرار داریم، شاهد تلاشهای گسترده ای از داخل و خارج برای تحریف آرمانها و ارزشهایی که آن حضرت از خود باقی گذاشته اند، هستیم. مسلماً یکی از ارزشهای باقی

مانده و آرمانی از آن امام عزیز، «ساده زیستی» و بی توجهی ایشان به امور دنیوی است. همان صفتی که امروزه با سادگی هر چه تمام تر در جامعه رو به فراموشی است و علیرغم توصیه مقام معظم رهبری و بزرگان دینی به آحاد مردم، بویژه مسئولین مملکتی به این خصیصه و سیره آنحضرت، اقبال چندانی نمی شود.

آیت الله موسوی اردبیلی نقل میکند:

«وقتی قرار شد طبق اصل قانون اساسی مسئولین صورت داریی خود را بدهند اول کسی که صورت داریی خود و متعلقین خود را داد امام بود و تمام موجودیش را نوشت و فرستاد.<sup>۷</sup> حجه الاسلام رحیمیان می گوید:

زندگی امام از هر جهت بسیار ساده بود. نه تنها ایشان در زندگی شخصی خود ساده زیست بودند، بلکه نسبت به آنچه به ایشان مرتبط می شد، نیز، مراقبت می کردند. از باب نمونه، حسینیه جماران، با اینکه به شخص ایشان زیاد ارتباط نداشت و هر نوع تغییری در آن در نهایت به نام امام حسین (ع) تمام می شد ولی امام نگذاشتند که تغییری به منظور تجمل و زیبایی در آن ایجاد شود. حتی وقتی آقای امام جمارانی خواست آنجا را سفید کاری کند، امام به او فرمود: اگر می خواهید من اینجا بمانم، تزیینات نکنید. یک وقت امام متوجه شدند که می خواهند کاشی کاری کنند، عصبانی شدند، فرمودند، «من از اینجا می روم»! به خاطر این، حسینیه تا به آخر به همین صورت باقی ماند.<sup>۸</sup>

حجه الاسلام فرقانی از یاران امام در نجف می گوید:

وقتی که ایشان [امام] در نجف بودند مانند سایر طلبه ها یخچال نداشتند. حتی راضی نشدند که شیخ نصرالله خلخالی از پول خودش برای منزل ایشان یخچال بخرد. خود امام تا دو سال با این کلمنهای دستی کوچک آب می خوردند و یخچال بزرگ نداشتند و می فرمودند: طلبه ها ندارند. پس از دو سه سال که وضع شهریه طلاب بهتر شد و همه قادر شدند که یخچال بخرند، امام فرمودند: حالا که همه دارند شما هم بیاورید و بگذارید.<sup>۹</sup>

سراسر زندگی حضرت امام، آمیخته با سادگی و قناعت و بی اعتنایی به دنیا بود و این شیوه چه در دوران جوانی و چه در سالهای بعد حتی در دوران تبعید و نیز پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران تا لحظه ارتحال ایشان ادامه داشت.

## امام خمینی احیاگر فرهنگ عاشورا

در یک مرور تاریخی و ارزیابی منصفانه و اخبار و احادیث نبوی و ائمه معصومین (ع) می‌توان گفت: حفظ اسلام راستین و مکتب تشیع و ارزشهای دینی و استمرار نهضت‌های حق طلبانه در تاریخ اسلام، مرهون قیام عاشورا است.

بدون تردید، نهضت امام خمینی و انقلاب اسلامی شدیداً متأثر از فرهنگ عاشورا و قیام سالار شهیدان است، بلکه این نهضت در اساس و ارکان و اجزاء خویش مولود قیام عاشورا و پیامد آن است. پیوند مذکور بین قیام امام خمینی و مکتب عاشورا آنچنان در عمل و رفتار و منطق رهبر کبیر انقلاب و عملکردها و شعارها و آرمانهای انقلاب اسلامی آشکار است که نیاز به استدلال ندارد. حتی نقطه‌های عطف تاریخ انقلاب اسلامی در پیوند با محرم و عاشورا و در این مناسبتها پدید آمده‌اند.

امام خمینی (ره) در این مورد می‌فرماید:

ما باید همه متوجه این معنا باشیم که اگر قیام حضرت سیدالشهدا - سلام الله علیه - نبود، امروز هم ما نمی‌توانستیم پیروز بشویم. تمام این وحدت کلمه‌ای که مبدأ پیروزی ما شد، برای خاطر این مجالس عزا و این مجالس سوگواری و این مجالس تبلیغ و ترویج اسلام شد. سید مظلومان یک وسیله‌ای فراهم کرد برای ملت که بدون اینکه زحمت باشد برای ملت، مردم مجتمع‌اند. اسلام مساجد را سنگر قرار داد و وسیله شد از باب اینکه از همین مساجد، از همین جمعیتها، از همین جماعات، از همین جمعه‌ها و جماعات، همه اموری که اسلام را به پیش می‌برد و قیام را به پیش می‌برد، مهیا باشد و بالخصوص حضرت سیدالشهدا از کار خودش به ما تعلیم کرد که در میدان وضع باید چه جور باشد و در خارج میدان وضع چه جور باشد و باید آنهایی که اهل مبارزه مسلحانه هستند چه جور مبارزه بکنند، و باید آنهایی که در پشت جبهه هستند چطور تبلیغ بکنند. کیفیت مبارزه را، کیفیت اینکه مبارزه بین یک جمعیت کم با جمعیت زیاد باید چطور باشد، کیفیت اینکه قیام در مقابل یک حکومت قلدری که همه جا را در دست دارد، با یک عده معدود باید چطور باشد، اینها چیزهایی است که حضرت سیدالشهدا به ملت آموخته است»<sup>۱۰</sup>

امام (ره) در جای دیگر این اینگونه اظهار می‌دارند:

«...نمی‌فهمند اینها که روضه یعنی چه. اینها ماهیت این عزاداری را نمی‌دانند چیست. نمی‌دانند که این نهضت امام حسین آمده تا اینجا، تا این نهضت را درست کرده.

این تابع [انقلاب اسلامی ایران]، این یک شعاعی است از آن نهضت [عاشورا]. نمی‌دانند که گریه کردن بر عزای امام حسین، زنده نگه داشتن نهضت، و زنده نگه داشتن همین معنا [ست] که یک جمعیت کمی در مقابل یک امپراطوری بزرگ ایستاد. دستور است. آن دستور عمل امام حسین، سلام الله علیه. دستورا است برای همه: **كُلُّ يَوْمٍ عَاشُورَاءُ؛ وَكُلُّ أَرْضٍ كَرْبَلَاءُ** دستور است به اینکه هر روز و در هر جا باید همان نهضت را ادامه بدهید، همان بر نامه را، امام حسین با عده کم همه چیزش را فدای اسلام کرد؛ مقابل یک امپراتوری بزرگ ایستاد و «نه» گفت؛ هر روز باید در هر جا این «نه» محفوظ بماند. و این مجالسی که هست مجالسی است که دنبال همین است که این «نه» را محفوظ بدارد. بچه‌ها و جوانهای ما خیال نکنند که مسئله، مسئله «ملت گریه» است! این را دیگران القا کردند به شماها که بگویید «ملت گریه»! آنها از همین گریه‌ها می‌ترسند، برای اینکه گریه‌ای است که گریه بر مظلوم است؛ فریاد مقابل ظالم است. دسته‌هایی که بیرون می‌آیند، مقابل ظالم هستند؛ قیام کرده‌اند. اینها را باید حفظ کنید. اینها شعائر مذهبی ماست که باید حفظ بشود. اینها یک شعائر سیاسی است که باید حفظ بشود.<sup>۱۱</sup>

عزت و شرف و استقلال افتخاراتی که در سایه انقلاب اسلامی به دست آمد نتیجه بازیابی فرهنگ عاشورایی و دمیدن روح شهادت و عطر تعالیم عاشورایی در جامعه اسلامی است که با تدبیر و تلاش عبد صالح خدا حضرت روح الله پدید آمد.

## عشق به مردم و محرومین

مقام معظم رهبری در بیان شخصیت امام می‌فرماید:

مردم همیشه در نظر امام (ره) اصل و محور بودند... و همه ی فعالیت های اقتصادی و

امثال آن باید بر محور نجات محرومین از محرومیت ها انجام گیرد.<sup>۱۲</sup>

سوز امام در خدمت به طبقه محروم چنان بود که آن حضرت را از خود بی خود می‌کرد.

مرحوم آقای اسلامی تربتی که همسایه امام در قم بود، نقل می‌کرد: روزی با امام در حال رفتن به درس مرحوم آقای شاه آبادی بودیم. فصل زمستان بسیار سردی بود از کنار مدرسه حجتیه عبور می‌کردیم. دیدم خانمی کنار رودخانه نشسته و دارد پارچه‌ها و کهنه‌هایی را می‌شوید. نمی‌دانم مال خودش بود یا کلفت بود. می‌دیدیم که بیخ‌های رودخانه را می‌شکست و کهنه می‌شست. بعد دستش را از آب بیرون می‌آورد و مقداری با دمای بدنش گرم می‌کرد و دوباره لباس می‌شست. امام قدری به او نگاه کرد بعد به من فرمود: شما بروید بعد من می‌آیم. عرض کردم چه کاری دارید؟ اگر امری هست بفرمائید گفتند: نه شما بروید و خودشان ایستادند و به کمک آن خانم لباس‌ها را شستند و کنار گذاشتند و چیزی هم یادداشت کردند که بعد معلوم شد آدرس آن خانم مستمند را از او گرفته بودند. هر چه از ایشان پرسیدم قضیه چه بود فرمودند: چیزی نبود. بعد معلوم شد به آن خانم گفته‌اند شما بیایید منزل، من دستور می‌دهم آب گرم کنند و دیگر شما اینجا نیائید. با آب گرم لباس بشوئید و خود من هم کمک‌تان می‌کنم.<sup>۱۳</sup>

امام خود می‌فرمود:

«طریق اسلامی این است که مستضعفین را حمایت کنند. ما به پیروی از اسلام بزرگ، از جمیع مستضعفین حمایت می‌کنیم. گمان نمی‌کنم عبادتی بالاتر از خدمت به محرومین وجود داشته باشد. خود را برای خدمت به اسلام و ملت محروم مهیا کنید؛ کمر به خدمت بندگان خدا که خدمت به خداست ببندید. به همه در کوشش برای رفاه طبقات محروم وصیت می‌کنم که خیر دنیا و آخرت شماها در رسیدگی به حال محرومان جامعه است. چه نیکوست که طبقات تمکن‌دار، به طور داوطلب برای زاغه و چپر نشینان مسکن و رفاه تهیه کنند؛ و مطمئن باشند که خیر دنیا و آخرت در آن است. و از انصاف به دور است که یکی بی‌خان و مان، و یکی دارای آپاز تمانها باشد. ما آن روز عید داریم که مستمندان ما، مستضعفان ما به زندگی صحیح رفاهی و به تربیت صحیح اسلامی - انسانی برسند. آنچه مهم است این است که آن قشر مستضعف بیشتر مورد نظر باشد. خدا نیاورد آن روزی را که سیاست ما و سیاست مسئولین کشور ما، پشت کردن به دفاع از محرومین و رو آوردن به حمایت از سرمایه‌دارها گردد. اسلام برای مستضعفین آمده است و اول نظرش به آنهاست.



این قرن - به خواست خداوند قادر - قرن غلبه مستضعفان بر مستکبران، و حق بر باطل است. به مستضعفان و مستمندان و زاغه نشینان که ولی نعمت ما هستند خدمت کنید. پیش خدای تبارک و تعالی کمتر خدمتی است که به اندازه خدمت به زاغه نشینان فایده داشته باشد.»<sup>۱۴</sup> مقام معظم رهبری در جایگاه مردم در نزد امام می‌فرماید:

«در سخت‌ترین مراحل، به مردم اطمینان فراوان داشت. در یکی از پیامهای خود به مردم فرمود: «من شما را خوب می‌شناسم، شما هم من را خوب شناختید.» واقعا این گونه بود. امام، این مردم را خوب شناخته بود و به صفا و وفا و غیرت و شجاعت و صداقتشان، واقف بود. مردم هم حقا و انصافا امامشان را خوب شناخته بودند و پاسخ مناسب به او دادند.»<sup>۱۵</sup>

## اخلاق فردی

انسان، آن‌گاه شایسته عنوان خلیفه الله است و به کرامت انسانی دست پیدا می‌کند، که خاک وجودش با زلال دانش و بینش در هم آمیزد و حاصل آن در قالب اخلاق و منش متعالی در رفتار فرد متجلی شود. بنابراین اخلاق، عصاره همه ارزش‌های ذاتی و اکتسابی انسان و چکیده تعالیم ادیان و پیامبران الهی است.

نام امام خمینی، امروز برای بسیاری از انسان‌ها در سراسر جهان، شناخته شده است و هر کدام ایشان را از زاویه نگاه و آگاهی و دلبستگی‌های خود می‌شناسند. اهل سیاست و حکومت و مدیریت او را به عنوان یک رجل سیاسی، و اهل فقه و فلسفه و عرفان او را به عنوان یک فقیه، فیلسوف و معلم عرفان نظری می‌شناسند، و اندیشمندان علوم تربیتی و رهروان عرفان عملی و شیفتگان اخلاق و منش انسانی، امام خمینی را به عنوان انسانی نمونه و خودساخته و ذوب شده در اخلاق الهی می‌شناسند. آنچه به امام جذابیت و محبوبیت جهانی بخشیده و او را تا اوج یک قهرمان در قلوب ملتها (حتی غیر مسلمانان) بالا برده بود، اخلاق و منش متعالی بود؛ چنان‌که انبیاء و رهبران دینی اینگونه بودند خداوند در توصیف پیامبر خاتم او را به اخلاق، بردباری و دلسوزی و کرامتش ستوده است: (وَ اِنَّكَ لَعَلَىٰ خَلْقٍ عَظِيمٍ) (قلم/۴)؛ همانا تو از اخلاق و منشی بس عظیم برخورداری. به هر حال امام خمینی (ره) در مقام یکی از وارثان خط انبیا و اولیای الهی، چهره‌ای است

که باید بخش عظیمی از موفقیت‌های او را در شخصیت اخلاقی و رفتاری‌اش که منبعث از علم و ایمان آن حضرت است، جست و جو کرد. البته به این نکته باید توجه شود که عمل و اخلاق شایسته، حاصل ضرب علم و ایمان است؛ هر چند در سطوح آغازین ریشه در فطرت و سرشت آدمی دارد. مقام معظم رهبری در بیان شخصیت امام می‌فرماید:

امام خمینی شخصیتی آن چنان بزرگ بود که در میان بزرگان و رهبران جهان و تاریخ به جز انبیا و اولیای معصومین (علیهم السلام) به دشواری می‌توان کسی را با این ابعاد و خصوصیات تصور کرد. الحق شخصیت آن عزیز یگانه، شخصیتی دست نیافتنی و جایگاه والای انسانی او جایگاهی دور از تصور و اساطیر گونه بود.<sup>۱۶</sup>

## خانواده

آنچه در این بخش بدان پرداخته می‌شود، سیره عملی و رفتاری حضرت امام در خانواده است که در سایه سار آشنایی با آن؛ به یقین صفحه‌ای نورانی و عبرت آموز فراروی ما قرار می‌گیرد که با بهره‌گیری از آنها می‌توانیم زمینه سلامت خانوادگی و سعادت را برای خویش فراهم سازیم. اینک شما طالبان حقیقت را، به سرای پر مهر امام دعوت می‌نماییم.

همسر محترم امام در باره رفتار آن حضرت با خانواده می‌گوید:

«حضرت امام به من خیلی احترام می‌گذاشتند و خیلی اهمیت می‌دادند. هیچ حرف بد یا زشتی به من نمی‌زدند... امام حتی در اوج عصبانیت هرگز بی‌احترامی و اسائه ادب نمی‌کردند. همیشه در اتاق جای بهتر را به من تعارف می‌کردند.»<sup>۱۷</sup>

دختر امام می‌گوید:

«برخورد حضرت امام با همسرشان در عین صمیمیت و محبت بسیار محترمانه بود. در تمام مسایل شخصی و خانوادگی نظر خانم محترم بود.»<sup>۱۸</sup>

فرزندان و اعضای خانواده امام نیز از احترام خاصی برخوردار بودند و بسیار خوشرو و با متانت با آنها رفتار می‌کرد. نوه دختری امام نقل می‌کند:

گاهی اوقات بدون آنکه چیزی به ما بگویند به بهانه‌ای به آشپزخانه می‌رفتند و برای ما چای می‌ریختند. البته ما از این رفتار ایشان احساس شرمندگی می‌کردیم. ولی امام با این

کارها کمال مهمان نوازی و در حقیقت بهترین رفتار را نسبت به فرزندان خود نشان می دادند.»<sup>۱۹</sup>

## توجه به مسائل سیاسی و اجتماعی

در بعد سیاسی، امام خمینی یک شخصیت بی نظیری است که دوست و دشمن بر آن اذعان داشتند. عنوانهایی نظیر ثنوریسین بزرگ، صاحب نظر برجسته، تحلیل گر سیاسی فوق العاده، استراتژیست بلند پایه، آینده نگری قوی، جهان بین منحصر به فرد، دارای دکتترین عالی و پیچیده، ژرف نگر، غیر قابل پیش بینی و دارای پیچیدگی بسیار دور بخشی از القابی است که شخصیتها و سیاستمداران جهانی به امام خمینی داده اند. اینک گوشه هایی از ویژگیهای سیاسی امام را حل را به طور خلاصه ذکر می کنیم.

در اندیشه امام (ره) سیاست و هرگونه تلاش سیاسی به دو بخش الهی و غیر الهی تقسیم می شد.

ایشان معتقد بود که اگر تلاش مدیران و رهبران جامعه و برنامه ریزان کشور در جهت ترویج معنویت و مصالح مردم باشد، این سیاست الهی است، در غیر این صورت آن سیاست شیطانی است. امام معتقد است که سیاست الهی، به معنای راهنمایی و راهبرد در مسیری است که در قرآن، بدان پرداخته شده و اوج آن در حیات و مشی انبیاء الهی و ائمه معصومین تبلور یافته است.

«سیاست این است که... تمام مصالح جامعه را در نظر بگیرد و تمام ابعاد انسان و جامعه را در نظر بگیرد... این مختص به انبیاء و اولیاء است و به تبع آنها به علمای بیدار اسلام.»<sup>۲۰</sup>  
بر اساس این باور است که امام، سیاست و مدیریتی که در مسیر الهی باشد؛ همان دیانت می داند.<sup>۲۱</sup>

و حج را که از مناسک مهم و شاخص اعمال عبادی و کانون معارف الهی است، مظهر حرکتی سیاسی عبادی در جهت منافع جامعه اسلامی شمرده است.<sup>۲۲</sup>  
در جای دیگر می فرماید:

اسلام همه احکامش یک احکام مخلوط به سیاست است... نمازش... حجش... زکاتش سیاست است، اداره مملکت است.»<sup>۲۳</sup>

امام با این بینش در نهایت نتیجه می‌گیرد که:

سیاستمداران اسلامی، سیاستمداران روحانی، انبیاء علیهم‌السلام، شغل‌شان سیاست است.<sup>۲۴</sup>

ایشان سعی بسیار زیادی داشتند که عزت از دست رفته را به جامعه اسلامی برگردانند و این کار جز با تفهیم و تلقین جهان‌بینی عظیم اسلامی عملی نمی‌شود. بنابراین توجه امام (ره) بعد از شکستن ابهت و هیمنه ابرقدرتها بویژه امریکا، تشریح و معرفی اسلام ناب بود. همان اسلامی که عزت را منحصر به مسلمانان می‌داند «ولله العزة ولرسوله وللمؤمنین».

امام عزیز معتقد بودند به میزانی که مسلمانان از اسلام فاصله بگیرند، به لحاظ سیاسی به همان میزان به قدرتهای اجنبی وابسته می‌شوند. در این استراتژی همه تلاش حضرت امام صرف تبلیغ اسلام و تبیین مسائل اساسی و مغفول جهان اسلام بود. به گونه‌ای که مسلمانان هرگز در امور راهبردی و سلطه آور خود را نیازمند دیگران ندانند.

### دشمن شناسی

امام دشمن اصلی و خطر عمده را در مراحل مختلف حیات سیاسی خویش باز شناخت و متناسب با آن به مقابله با توطئه‌ها و دسیسه‌های دشمن همت گماشت و در دام مشغولیت با مسائل حاشیه‌ای و فرعی و فراموشی دشمن اصلی گرفتار نشد و متقابلاً تکیه گاهها و نقاط قابل اتکا و اعتماد و مراکز و منابع تامین نیرو و امکانات جبهه اسلام و انقلاب را در مقابله با دشمن بخوبی شناخت و از تمامی آن امکانات بدرستی سود جست. درک اهمیت مسئله فرهنگ در معنای عام و گسترده آن و جایگاه عظیم جبهه فرهنگی در صحنه مبارزه همه جانبه حق و باطل بویژه در شرایط امروزین جهان از مصادیق بارز این تیزبینی و دقت نظر ایشان است. در همین راستا، امام نسبت به راههای نفوذ و روش‌ها و مکانیسم‌های پیدا و پنهان سلطه فرهنگی دشمن بر مراکز آموزشی و تربیتی بویژه دانشگاهها و مراکز حساس که نهایتاً به سلطه همه جانبه بر کشور می‌انجامد، حساسیت و تیزبینی ویژه‌ای داشتند و مسئله اعزام دانشجو به خارج را از این نقطه نظر مورد توجه قرار دادند. ایشان در فرصتها و موارد متعدد این نکته را یادآور می‌شوند که خارجیها و بیگانگان بنا ندارند جوانان و فرزندان ملت‌های

مسلمان و جهان سوم را که برای تحصیل به آن کشورها رو می آورند با دست پر برگردانند و به همین لحاظ نوعاً نسبت به اصل این سیاست، با نوعی تردید و بدبینی نگریده، تاکید بر مراکز داخلی و بسط و توسعه آنها را به نحوی که ما را از خارج بی نیاز کند، مورد نظر داشته‌اند. به عنوان نمونه می توان به موارد زیر اشاره کرد.

جوانان عزیز ما که سرمایه‌های میهن هستند باید بدانند که رفتن به غرب و شرق برای آموختن علوم مختلف، آنان را از رسیدن به مقصود که استقلال و آزادی است باز می‌دارد و وابسته‌شان خواهد نمود. باید به خود تلقین کنیم که در غرب هیچ خبری جز عقب‌نگه داشتن ما از قافله تمدن و تعالی نیست.<sup>۲۵</sup>

... در خارج به جوانان ما درس اساسی نمی‌دهند... این طرز تفکر که غیر از خارج در جای دیگر نمی‌شود تحصیل کرد امری است باطل چرا که با اینگونه تبلیغات می‌خواهند جوانان ما را به خارج بکشند و با تفکر خودشان به ایران برگردانند.<sup>۲۶</sup>

در جای دیگر می‌فرماید:

باید به خود تلقین کنیم که در غرب هیچ خبری جز عقب‌نگه داشتن ما از قافله تمدن و تعالی نیست. ما پیشرفتهای دنیای غرب را می‌پذیریم ولی فساد غرب را که خود آنان از آن‌ناله می‌کنند، نه! غرب پیشرفتهایی که دارد پیشرفتهای مادی است دارد و دنیا را به صورت یک جنگنده، به صورت یک وحشی بار می‌آورد. تربیت غرب، انسان را از انسانیت خودش خلع کرده. ما باورمان آمده است که همه چیزها در غرب است، خیر! آن چیزی که در غرب است تربیت حیوان درنده است. تا ما از آن غریزدگی در نیاییم و مغزمان را عوض نکنیم و خودمان را نشناسیم، نمی‌توانیم مستقل باشیم، نمی‌توانیم هیچ داشته باشیم.<sup>۲۷</sup>

مقام معظم رهبری در بیان این ویژگی امام (ره) می‌فرماید:

امام، دو خصوصیت دیگر هم داشت که این هم جز با نورانیت الهی ممکن نبود و آن عبارت بود از: دشمن شناسی و دوست شناسی. در شناخت دشمن‌ها و دوست‌ها اشتباه نکرد. از اول، دشمن‌ها را شناخت و آنها را اعلام کرد و تا آخر هم در مقابلشان ایستاد و نیز از اول، دوست‌ها را شناخت و آنها را اعلام کرد و تا آخر هم دوستی آنها منتفع نشد.<sup>۲۸</sup>

امام با شهامت و شجاعت تمام در افشای چهره مستکبران اینگونه فریاد می‌زند:

ما اگر چنانچه قدرت داشته باشیم تمام مستکبرین را از بین خواهیم برد. سلامت و صلح جهان بسته به انقراض مستکبرین است؛ و تا این سلطه‌طلبان بی‌فرهنگ در زمین هستند، مستضعفین به ارث خود که خدای تعالی به آنها عنایت فرموده است نمی‌رسند. ما آن صدمه‌ای که از قدرتهای بزرگ خوردیم، باید بگوییم که بالاترین صدمه، صدمه شخصیت بوده. امروز وضع سیاسی دنیا طوری است که تمام کشورهای عالم در تحت نظر سیاسی ابرقدرتها هستند. تمام گرفتاریهایی که ملتها پیدا کردند، از دست این ابرقدرتهاست. تمام مقصد این جنایتکارها رسیدن به یک نقطه است، قدرت؛ قدرت برای کوبیدن هر کسی که در مقابلشان است. بر روشنفکران است که هرچه بیشتر در رسوایی ابرقدرتها و قدرتها بکوشند. بدانند که کشورهای قدرتمند فرصت طلب، که غایت آمالشان دست یافتن بر کشورهای اسلامی و مستضعف است، آنان را در موقع گرفتاری تنها می‌گذارند، و کلمه وفا در قاموس آنان راهی ندارد. متحد شوید که در سایه اتحاد پیروزیتان بر ابرقدرتها حتمی است.»<sup>۲۹</sup>

### پی‌نوشتها:

۱. خورشید قرن، لمعات الامام و جلوه‌های نور.
۲. حدیث ولایت، جلد ۱، ص ۲۵.
۳. پا به پای آفتاب ج ۳، ص ۳۰.
۴. مجله سروش، ش ۴۷۶.
۵. برداشتهایی از سیره امام خمینی، ج ۳، ص ۱۱۳ به بعد.
۶. پاسدار اسلام، ش ۹۲.
۷. روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۷۳/۳/۱۷.
۸. برداشتهایی از سیره امام خمینی (س)، ج ۲، ص ۴۱.
۹. برداشتهایی از سیره امام خمینی (س)، ج ۲، ص ۴۱.
۱۰. صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۵۶.
۱۱. صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۳۱۶.
۱۲. روزنامه جمهوری اسلامی، ۷۱/۳/۱۶.
۱۳. برداشتهایی از سیره امام خمینی (ره)، ج ۱، ص ۲۱۵.
۱۴. کلمات قصار امام خمینی، فصل ۴.
۱۵. حدیث ولایت ج ۱، ص ۱۳۷.
۱۶. روزنامه جمهوری اسلامی، ۷۱/۳/۱۶.

۱۷. پا به پای آفتاب، ج ۱، ص ۵۰.
۱۸. پا به پای آفتاب، ج ۱، ص ۹۶.
۱۹. برداشت‌هایی از سیره امام خمینی (ره). ج ۱، ص ۱۳ به بعد.
۲۰. صحیفه نور، ۱۳/۲۱۸.
۲۱. صحیفه نور، ۱۳/۲۱۸.
۲۲. همان، ج ۱۸، ص ۴۷.
۲۳. همان، ۱۳۷۹/۱۳۸.
۲۴. همان، ج ۱۳، ص ۲۱۸.
۲۵. از پیام حضرت امام (س) در ۲۲ بهمن ۱۳۶۲.
۲۶. در دیدار با مسئولان دانشگاه آزاد اسلامی ۶۴/۴/۲۴.
۲۷. کلمات قصار امام خمینی فصل پنجم.
۲۸. حدیث ولایت، جلد ۱، ص ۲۹۹.
۲۹. کلمات قصار امام خمینی، فصل پنجم.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی